

[اطلاعات شخصی افراد حذف شده است]

[برای وضوح بیشتر فقط مطالب و اخبار مربوط به افراد و جامعه بهائی تایپ شده است]

[برگرفته از سایت: [خودنویس](#)]

[تاریخ: ۲ آذر ۱۳۹۲]

تحلیل جنایی قتل عطاءالله رضوانی

دکتر آریا حق‌گو - حقوق‌دان و وکیل دعاوی مقیم واشینگتن دی‌سی

مساله‌ی خودکشی آقای رضوانی، بلاموضوع است و قتل توسط مجموعه‌ای حرفه‌ای و امنیتی، طراحی و اجرا شده است و نه یک فرد، مقتول در زمان وقوع قتل، مقاومتی در برابر ضارب نشان نداده است.

با این حال مهم‌ترین فرق اظهار نظرهای رسانه‌ای خانواده مقتول با تحلیل‌های حقوقی و جنائی در این نکته نهفته است که یک حقوق‌دان تا زمانی که به دلایل و مدارک مستندی دست نیابد از اظهار نظر در رابطه با موضوعات خودداری می‌نماید.

اینجانب از همان ساعات اولیه وقوع قتل، موضوع مرگ عطاءالله رضوانی شهروند بهایی ساکن بندرعباس را پیگیری می‌نمودم و تلاش داشتم تا اطلاعات منتشر شده در رابطه با این حادثه را جمع‌آوری نمایم. بی‌شک مهم‌ترین و بهترین منبع برای انتشار اطلاعات مربوط به هر جنایتی و تحلیل این اطلاعات، پلیس و نیروی انتظامی است، اما متأسفانه در مورد این پرونده اداره آگاهی شهرستان بندرعباس و همچنین دادگستری این شهرستان هیچ‌گونه پیشرفتی نداشته و اخبار ناامیدکننده‌ای از روند پیگیری این قتل از مجاری رسمی و قانونی به گوش می‌رسد. بر همین اساس لازم دیدم تا از منظر یک حقوق‌دان و وکیل دعاوی مستقل به تحلیل جنائی این قتل بپردازم تا شاید مسئولین قضائی و انتظامی بندرعباس هم در انجام تکلیف قانونی و وجدانی خود برای پیگیری قتل یک شهروند احساس مسئولیت بیشتری نمایند.

البته مطابق آئین دادرسی کیفری ایران، مندرجات پرونده در مرحله تحقیقات مقدماتی سری و محرمانه است و بدون اجازه مقام قضائی قابلیت انتشار ندارد. بر همین اساس اینجانب ضمن احترام به قوانین و مقررات جاری ایران، صرفاً به بررسی داده‌های جنائی به دست آمده از تحقیقات خانواده مقتول و همچنین اطلاعات منتشر شده در رسانه‌های عمومی پرداخته و از ورود به مندرجات پرونده خودداری می‌نمایم.

الف) گردش کار پرونده پس از گذشت سه ماه از وقوع حادثه

مرحوم عطاءالله رضوانی در شب دوم شهریور ماه ۱۳۹۲ مفقود گردید و پیکر بی‌جان وی ظهر روز سوم شهریور ماه در یکی از بیابان‌های اطراف بندرعباس توسط رهگذران کشف شد. مطابق اعلام نیروی انتظامی، جسد به هنگام کشف در داخل اتومبیل خود مقتول بوده است. در هنگام رویت جسد، ملاحظه گردید که گلوله‌ای به ناحیه سر اصابت کرده و از سمت دیگر سر خارج شده است. در بررسی‌های اولیه هیچ‌گونه سرفقتی از مقتول و یا اتومبیل وی انجام نشده بوده اما گزارش شده است که تلفن همراه مقتول همراه جسد یا در داخل اتومبیل نبوده و احتمال داده می‌شود که توسط قاتل یا قاتلین به سرفقت رفته باشد. همچنین اسلحه (آلت قتل) نیز در محل قتل مشاهده نشده است اما طبق اظهارات مامورین آگاهی به نقل از گزارش پزشکی قانونی و کارشناس اسلحه‌شناسی، اسلحه‌ای که برای قتل به کار رفته از نوع کلت کمربندی بوده که در ایران به آن «شاه‌کش» می‌گویند.

جسد پس از حضور بازپرس ویژه قتل بندرعباس و تنظیم صورت جلسه به پزشکی قانونی منتقل و پس از تهیه گزارش پزشکی قانونی، دفن می‌شود. پرونده با دستور بازپرس دادرسی جنائی بندرعباس جهت پیگیری و تشخیص علت قتل و شناسائی مظنون یا مظنونین احتمالی در اختیار دایره جنائی پلیس آگاهی شهرستان قرار می‌گیرد.

ب) داده‌های حائز اهمیت جنائی در این پرونده

با بررسی اطلاعات جمع آوری شده توسط خانواده مقتول از پرونده می‌توان موارد زیر را از جمله مهم ترین داده هایی به شمار آورد که در حل معمای این قتل می‌تواند راهگشا باشد:

هیچگونه سابقه مشکلات روحی و روانی در رابطه با مقتول گزارش نشده و مطابق نظر تمامی دوستان و آشنایان مشارالیه از سلامت روانی متعارف برخوردار بوده است.

مرحوم رضوانی فاقد مشکل مالی یا خانوادگی بوده و سابقه‌ای از اختلافات مالی یا خانوادگی در رابطه با وی گزارش نشده است. همچنین نامبرده در هیچ یک از مراجع قضائی دارای پرونده اختلافاتی از این دست نبوده است.

فردی به نام کریم میرزایی آخرین فردی بوده است که قبل از قتل عطاءالله رضوانی با ایشان بوده و وی را ملاقات نموده است. این کارگر نوجوان افغانی حدود دو ماه است که مفقود شده و هیچ گونه اطلاعی از وی در دست نیست. کریم میرزایی قبل از مفقود شدن در گفتگو با خانواده مقتول اظهار داشته که از طرف اداره آگاهی بندر عباس احضار شده و به دلیل مصاحبه با وکیل خانواده رضوانی شدیداً مورد بازخواست و تهدید مامورین آگاهی قرار گرفته است. مدتی قبل از وقوع این حادثه، اظهارات بهائی ستیزانه در شهر بندر عباس اوج گرفته بوده و امام جمعه این شهرستان بارها از تریبون نمازجمعه علیه بهائیان شهر سخنان تندى را بیان نموده است.

بنابر ادعای خانواده رضوانی، مقتول از چندین هفته قبل از وقوع حادثه مورد تهدید مستقیم و غیر مستقیم برخی نهادهای امنیتی و مسئولین دفتر امام جمعه بندر عباس قرار گرفته بوده و حتی از وی خواسته شده بوده که برای حفظ جانش، بندر عباس را ترک کرده و به منطقه دیگری مهاجرت نماید.

تلفن همراه مرحوم رضوانی همچنان مفقود است و اداره آگاهی و قاضی پرونده از صدور دستور ردیابی آن خودداری می‌نمایند. لازم به یادآوری است که به لحاظ فنی، اداره مخابرات می‌تواند گوشی‌های تلفن همراه را حتی در حالت خاموش نیز ردیابی کند و اطلاعات دقیقی از منطقه‌ای که آن گوشی در آن قرار دارد، ارائه نماید.

برد گلوله کلت کمری موسوم به شاه کش بسیار کوتاه می‌باشد. گلوله این اسلحه در صورت شلیک از فاصله دورتر در بدن باقی می‌ماند و در صورت شلیک از فاصله نزدیک، پس از خروج از بدن در اطراف محل شلیک و در فاصله چند قدمی از محل خروج از بدن قابل مشاهده است. با این حال مرمی (گلوله) در محل قتل مشاهده نشده است.

مطابق گزارش پزشکی قانونی، گلوله از ناحیه جلوی سر از بالای یک گوش شلیک و از پشت سر در جهت مخالف خارج شده است.

### ج) تحلیل داده‌های جنائی

۱- با توجه به خروج گلوله کلت شاه کش از سر می‌توان مطمئن بود که شلیک از فاصله نزدیک انجام شده است.

۲- ورود گلوله از جلوی سر و خروج آن از پشت سر در شرایطی که مقتول در هنگام کشف جسد، روی صندلی اتومبیل و پشت فرمان نشسته بوده این انتظار را ایجاد می‌نماید که مرمی (گلوله) در زیر سری صندلی یا قسمت هایی از داخل اتومبیل که در طول مسیر ورود و خروج گلوله بوده است، فرو رفته باشد اما نه تنها هیچ اثری از گلوله درون اتومبیل یافت نشده بلکه هیچ گونه صدمه‌ای به تودوزی داخل ماشین که ناشی از خراش گلوله باشد نیز دیده نمی‌شود.

۳- اگر شلیک در داخل اتومبیل انجام شده باشد، باید مقداری از محتویات مجمه به همراه خون در قسمت پشتی اتومبیل پاشیده شده باشد به گونه‌ای که ترسیم کننده دایره‌ای باشد که مرکز آن محل خروج گلوله و شعاع‌های آن خطوطی متشکل از خون و محتویات مجمه با گردش در جهت حرکت گلوله باشد. در فضای داخل اتومبیل هیچ گونه اثری از پاشیده شدن خون به این شکل روی صندلی و فضای داخلی اتومبیل دیده نمی‌شود.

از مجموع مطالب فوق می‌توان به این نتیجه رسید که شلیک در داخل اتومبیل انجام نشده است زیرا نه تنها گلوله پس از خروج از مجمه قربانی جایی ننشسته است، بلکه خون و محتویات مجمه نیز همراه با گلوله خارج شده در فضای پشت سر مقتول پاشیده نشده است.

بنابراین بر اساس اصول تحقیقات جنائی و پلیس علمی، شلیک گلوله در خارج از اتومبیل انجام شده است. مهم ترین نتیجه منطقی اثبات علمی این موضوع، منتفی شدن فرضیه خودکشی مقتول است زیرا بدیهی است که یکی از مهم ترین ویژگی های خودکشی از نظر ضوابط پلیس علمی، رها شدن جسد در صحنه و محل شلیک گلوله منجر به قتل است. در این پرونده محل شلیک خارج از محل کشف جسد بوده و بدیهی است که بعد از شلیک گلوله، جسد بی جان نمی توانسته خود را به داخل اتومبیل منتقل نماید. بنابراین:

مقتول توسط شخصی دیگر در خارج از اتومبیل مورد اصابت قرار گرفته و سپس جسد توسط قاتل به داخل اتومبیل انتقال داده شده است

۴- با منتفی شدن فرضیه خودکشی، برای حل معمای این قتل بر طبق ضوابط تحقیقات جنائی باید به سه سوال اصلی پاسخ داد: اول انگیزه قتل، دوم مظنون یا مظنونین احتمالی و سوم سازماندهی قتل (مراحل انجام شده برای ارتکاب قتل).

۵- انگیزه قتل در رابطه با این پرونده نمی تواند سرقت باشد زیرا به جز تلفن همراه مقتول، هیچ شیء دیگری از متوفی به سرقت نرفته است. وقوع قتل به دلیل اختلافات مالی نیز از دیگر انگیزه های شایع قتل در ایران می باشد که با توجه به عدم وجود سوابق اختلافات مالی در رابطه با مقتول، این انگیزه نیز تضعیف شده و قابل اعتنا نیست. اختلافات خانوادگی یا دعاوی ناموسی نیز می تواند انگیزه ای برای قتل باشد چراکه با توجه به وضع خانوادگی و سوابق اخلاقی مقتول که به حسن معاشرت با سایرین مشهور بوده است، چنین انگیزه ای نیز نمی تواند مورد توجه قرار گیرد.

مهمترین فرضیه در رابطه با انگیزه این قتل می تواند اختلافات عقیدتی و دینی قاتل و مقتول باشد. بدین نحو که اعتقاد مقتول به دیانت بهائی و فعالیت های اجتماعی قابل توجه وی باعث اتخاذ تصمیم حذف فیزیکی وی شده است. این فرضیه با توجه به گزارشاتی که از فعالیت های عام المنفعه و اجتماعی مقتول وجود دارد تقویت می شود زیرا ظاهراً این فعالیت ها به مذاق مقامات امنیتی و مذهبی بندرعباس و در راس آن ها امام جمعه شهر خوش نمی آمده و ایشان به کرات از فعالیت های اجتماعی «فرقه بهائیت» علناً ابراز نگرانی نموده اند.

۶- معمولاً مهم ترین شیوه کشف جرم قتل و شناسایی قاتل در ایران، توجه به انگیزه های احتمالی قتل و شناسایی کسانی است که دارای چنین انگیزه هایی برای ارتکاب این جرائم بوده اند. اداره آگاهی و بازپرس پرونده باید در نخستین اقدام، از اعضای دفتر امام جمعه بندرعباس در رابطه با ادعای تهدید مقتول توسط آن ها تحقیق به عمل آورند. مهم ترین اقدام جهت یافتن سرنخ هایی برای تهدیدکنندگان احتمالی، درخواست فهرست کامل مکالمات مقتول در هفته های منتهی به قتل است. با یک بررسی دقیق و البته ساده این فهرست می توان شماره تلفن های مربوط به مراجع امنیتی یا دفتر امام جمعه یا منتسبین به آن را در این فهرست جستجو نمود. چنانچه شماره های تلفن این افراد در فهرست تماس گیرندگان با مقتول وجود داشته باشد، صحت ادعای خانواده مقتول در رابطه با تهدید وی از طرف دفتر امام جمعه و مراجع امنیتی اثبات می شود. زیرا مقتول ارتباط کاری یا اداری با این مراجع نداشته است. در صورت عدم وجود شماره های مربوط به این افراد و مراجع، شماره های ناشناسی که برای خانواده و دوستان نزدیک مقتول قابل شناسایی نیست باید مورد پیگیری قرار گیرد. شیوه معمول در این زمینه این است که نام و نام خانوادگی دارندگان تمامی خطوط تلفن موجود در لیست تماس های مقتول، در یک جلسه با حضور مامورین، به خانواده یا دوستان مقتول نشان داده می شود و از ایشان خواسته می شود که هر کدام از افرادی را که نمی شناسند یا سوابقی از اختلافات وی با مقتول دارند را در این فهرست شناسایی نمایند.

در گام بعدی فرد یا افرادی که خطوط تلفن مذکور به نام آن ها ثبت شده است باید احضار و بازجویی شوند تا معلوم گردد که دقیقاً چه فرد یا افرادی از این خطوط با مقتول تماس می گرفته اند. افراد شناسایی شده باید به عنوان مظنونین ارتکاب قتل مطابق قانون آئین دادرسی کیفری ایران بازداشت و با قرار قانونی بازداشت موقت برای تحقیقات فنی در اختیار اداره آگاهی قرار گیرند. این اولین گام عملی و رایج در ایران در رابطه با شناسایی مظنونین احتمالی در چنین قتل هایی است.

۷- مفقود شدن تلفن همراه مقتول مهم ترین دلیل برای طرح این فرضیه است که طراحان و مجریان قتل قبل از حادثه با مقتول در ارتباط بوده اند و در واقع قتل با برنامه ریزی قبلی سازماندهی شده است. قاتل یا همکاران وی، قبل از

وقوع قتل با مقتول تماس داشته‌اند و وی را به محل وقوع جنایت یا محلی که مورد نظرشان بوده است، کشانده‌اند. مفقود شدن تلفن همراه مقتول نشان دهنده این واقعیت است که سازماندهندگان قتل، مایل نبوده‌اند آخرین تماس‌های مقتول و احتمالاً برخی از شماره‌های تلفن موجود در حافظه تماس‌های گوشی به دست خانواده مقتول بیافتند.

۸- مفقود شدن تلفن همراه در کنار اثبات وقوع قتل خارج از محل کشف جسد این فرضیه را تقویت می‌نماید که سازماندهندگان جنایت تلفن همراه مقتول را از وی گرفته و سپس وی را بدون تلفن همراه به قتل گاه برده‌اند. عدم ردیابی تلفن همراه مقتول توسط بازپرس پرونده نیز نشان از نگرانی از فاش شدن این واقعیت دارد که محل واقعی وقوع قتل به غیر از محل کشف جسد بوده است. در واقع مخابرات می‌تواند محل انجام هر یک از مکالمات انجام شده توسط مقتول در ساعات پایانی حیاتش را بر اساس دکل مخابراتی استفاده شده اعلام نماید و فاش شدن این اطلاعات ظاهراً سرخ‌هایی را در اختیار خانواده مقتول قرار می‌دهد که طراحان قتل مایل به فاش شدن آن نیستند. همین موضوع نشان دهنده برنامه ریزی دقیق برای اجرای این جنایت و همچنین تسلط کامل طراحان قتل به مراحل تحقیقات جنائی در ایران است.

۹- مفقود شدن کاگر جوان افغانی به عنوان آخرین کسی که مقتول را ملاقات نموده می‌تواند باعث طرح این فرضیه شود که این کارگر اطلاعاتی را داشته که در یک بازجویی یا مصاحبه فنی می‌توانسته سرخ‌هایی را در اختیار قرار دهد و به همین دلیل سازماندهندگان قتل، این جوان افغانی را نیز به نحوی از انحاء خاموش کرده‌اند. این موضوع نشان از تعدد طراحان و مجریان قتل دارد زیرا نشان می‌دهد سازماندهندگان قتل پیگیر پاک کردن تمام سرخ‌ها پس از ارتکاب جنایت هم هستند و توانایی انجام این کار را نیز دارند.

نوع اسلحه به کار رفته برای ارتکاب جنایت و همچنین وقوع قتل صرفاً با شلیک یک گلوله به مغز مقتول دو نکته را اثبات می‌نماید:

- مقتول در اختیار قاتل بوده است و مقاومتی در برابر قتل صورت نداده است زیرا در صورت مقاومت قاتل مجبور به شلیک بیش از یک گلوله می‌شد تا مقاومت مقتول را در هم بشکنند. این موضوع با توجه به گزارش پزشکی قانونی در رابطه با عدم وجود هرگونه آثار ضرب و جرح در بدن مقتول به روشنی اثبات می‌شود که مقتول در برابر قاتل مقاومتی نشان نداده است.

- قاتل شخصی حرفه‌ای بوده است. هم در استفاده از این نوع سلاح و هم در ارتکاب قتل. شلیک دقیق به نقطه‌ای خاص از مغز که تنها با یک گلوله منجر به مرگ شود نشان دهنده تسلط قاتل بر اعصاب خود و مهارت وی در استفاده از سلاح دارد. همچنین شلیک از فاصله نزدیک به این نقطه از سر نشان دهنده آشنائی کامل قاتل با شیوه‌های قتل حرفه‌ای با استفاده از این سلاح است.

قاتل کاملاً به اصول قتل حرفه‌ای و شبیه‌سازی آن با خودکشی آگاه بوده و بر همین اساس گلوله را از سمت راست سر شلیک کرده تا وانمود کند که مقتول که راست دست بوده خودش به سرش شلیک نموده است. مع الوصف چون در اختیار گرفتن مقتول در محیط داخل اتومبیل برایش امکان پذیر نبوده است، مجبور شده قتل را در مکان دیگری انجام دهد و سپس جسد را در اتومبیل بیاورد و همین موضوع نقطه ضعف کار وی از نظر حرفه‌ای بوده است که البته برای گریز از آن چاره‌ای هم نداشته است. ظاهراً قاتل مطمئن بوده است که مراجعی که دارای اطلاعات علمی برای بررسی کارشناسی صحنه قتل هستند از دانش خود برای تحلیل این موضوع استفاده نخواهند کرد لذا نگران اجرای قتل در محلی غیر از محل کشف جسد نبوده است. به عبارت دیگر ظاهراً قاتل احتمال نمی‌داده که داده‌های مربوط به نحوه پاشیده شدن خون و اثرات شلیک در داخل اتومبیل مورد بررسی کارشناسانه قرار گیرد و به همین دلیل به شلیک از سمت راست سر اکتفا کرده است تا خانواده مقتول در نگاه اول نتوانند خودکشی نبودن قتل را ثابت نمایند. با این حال هر قتلی در لحظه وقوع دارای شرایط خاصی است که طراحان و مجریان، هرچند هم حرفه‌ای، نمی‌توانند این شرایط را پیش بینی و کنترل نمایند و همین موضوع مدخل ورود کارآگاهان و کارشناسان پلیس علمی به قتل‌های پیچیده و حرفه‌ای است.

بنابر آنچه گذشت خلاصه تحلیل جنائی این پرونده تا به امروز بر اساس ضوابط تحقیقات جنائی و پلیس علمی به قرار زیر است:

مرگ در اثر خودکشی اتفاق نیفتاده است.

قتل توسط مجموعه‌ای از افراد طراحی و اجرا شده است و نه یک فرد.  
قتل توسط مجموعه‌ای حرفه‌ای و آشنا به اصول امنیتی، طراحی و اجرا شده است.  
مقتول در زمان وقوع قتل مقاومتی در برابر ضارب نشان نداده است.  
قاتل فردی حرفه‌ای و دارای مهارت کامل در استفاده از کلت کمری بوده است.  
حال با توجه به این اطلاعات باید دید که مقامات قضائی بندرعباس می‌توانند و اصلاً مایل هستند که با حفظ استقلال خود برای پیگیری قتل یک شهروند ایرانی با استفاده اختیارات قانونی خود اقدام نمایند یا مایلند چشم خود را بر این واقعیات ملموس و محرز علمی و منطقی ببندند؟

[متن بالا رونویسی از اصل سند است. اگر به نکته‌ای برخورد کردید که دقیق رونویسی نشده است لطفاً به نشانی ایمیل در صفحه تماس با ما بفرستید]